

چکیده مقالات



بنامش

معاونت پژوهشی و هنری



## ● یادداشت دبیر علمی

اقتباس از قدیمی‌ترین شیوه‌های گسترش و تکثیر متن‌ها محسوب می‌شود. همچنین بخشی از فرآیند تولید و انباشتگی متنی است که به نوبه خود موجب توسعه فرهنگ و تمدن بشری می‌شود. اقتباس، پیوستگی میان متن‌ها ایجاد می‌کند که پیوستگی بینا فرهنگی و بیناسلی را به دنبال دارد. از این رو موضوع فراتر از تولید یک اثر تازه با الهام از آثار پیشین است.

در واقع، بدون اقتباس و به‌طور کلی مناسبات بینامتنی نه تنها میان متن‌ها بلکه میان نسل‌ها و عصرها، رشته‌ها و رسانه‌ها، افراد و اقشار گسستی عمیق به‌وجود می‌آید. در واقع، یادآوری و خاطره‌داری فرهنگی مرهون این مناسبات است. اقتباس و پیوستگی بینامتنی نه فقط امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌های گذشته و میراث فرهنگی بلکه امکان تعامل میان نگرش‌ها و دانش‌های گوناگون را میسر می‌سازد. به همین دلیل میزان و چگونگی اقتباس به عنوان شاخصی برای ارزیابی مناسبات یک جامعه به‌شمار می‌رود. آیا جامعه توان‌مندی گفتگوی بینامتنی را دارد یا خیر؟ مؤلفان جامعه با چه گفت‌وگو و متن‌هایی بیشترین تعاملات را دارند و از آن تأثیر می‌پذیرند؟ کدام یک از مناسبات درون فرهنگی و یا برون فرهنگی غلبه دارد؟ مناسبات هم‌زمانی غلبه دارد یا در زمانی؟ آیا اقتباس همراه با خلاقیت یا نقد است و یا صرفاً به برگردان رسانه‌ای یا نشانه‌ای بسنده می‌شود؟

فرهنگ پر سابقه و درخشان ایرانی و ایرانی-اسلامی آثار فاخر و شکوهمند بسیاری از خود به‌جای گذاشته که می‌توانند الهام‌دهنده و هویت‌بخش متن‌های جدید باشند. این آثار در طول زمان بخش قابل توجهی از فرهنگ‌های دیگر را نیز متأثر ساخته است. اما متأسفانه هنرمندان و محققان ما نتوانسته‌اند به نحو شایسته از این منبع غنی، بهره ببرند و اقتباس‌های ارزشمند از این میراث ارزشمند بسیار کم هستند که یکی از علت‌های آن ناآشنایی به دانش و روش‌های اقتباس است. امید است که چنین همایش‌هایی بتواند هم موجب ترغیب هنرمندان به اقتباس به خصوص اقتباس از آثار درون فرهنگی شوند و هم نظریه‌ها و روش‌های آن را برای استفاده در این فرآیند به علاقه‌مندان معرفی نماید. در پایان لازم می‌دانم از همکاران فرهنگستان هنر به خصوص معاونت پژوهشی و هنری در برپایی این همایش که نخستین برنامه از مجموعه همایش‌های اقتباس‌شناسی است، تشکر نمایم. همچنین از استادان و محققانی که با ارائه مقاله موجب غنای این همایش شدند، به ویژه سرکار خانم دکتر جلالی برای مدیریت بخش اقتباس در هنر و ادبیات کودک و نوجوان، کمال تشکر را دارم.

بهمن نامور مطلق  
دبیر علمی همایش



## از عناصر نوشتاری تا عناصر تصویری: بررسی اقتباس از منظر دבורا کارتمل

### ● نازنین اردوبازارچی

دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات

اقتباس رابطه‌ای تطبیقی است که تلاش دارد با استفاده از عناصر یک یا چند اثر و با توسل به روابط بینامتنی آن را به عناصر رسانه دیگری انتقال داده و محصول جدیدی بر همین پایه ارائه دهد. اقتباس همواره ابزاری برای خلق آثار هنری و ادبی دانسته شده و از طرق گوناگونی به دست آمده است. دسته‌بندی‌های متعددی از شیوه‌های اقتباس در دست است که مشهورترین آنها دسته‌بندی دבורا کارتمل است. به عقیده وی، اقتباس به سه گونه انتقال، تفسیر و قیاس انجام می‌شود. این دسته‌بندی در اقتباس بیشترین کاربرد را در متون سینمایی دارد و سینما یکی از محبوب‌ترین رسانه‌ها برای عرضه این رابطه تطبیقی و محمل مناسبی برای برگردان عناصر رسانه‌های مختلف است. این پژوهش سعی دارد اقتباس از منظر دבורا کارتمل را با توصیف و تبیین دسته‌بندی وی و همچنین چگونگی استفاده از این الگو و شاخصه‌های آن بررسی کند.

**واژگان کلیدی:** اقتباس، دבורا کارتمل، عناصر نوشتاری، عناصر تصویری.



## اقتباس از افسانه‌های ایرانی و ارتباط آن با نیاز کودکان (با تکیه بر رسانه‌های صوتی تصویری)

● مریم جلالی

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی

پژوهش حاضر به مطالعه موضوع اصلی اقتباس از افسانه‌های ایرانی در قالب رسانه‌های صوتی تصویری می‌پردازد. به این منظور نخست کارکرد رسانه‌های صوتی تصویری بررسی و در ادامه به برخی ویژگی‌های افسانه‌های ایرانی پرداخته شده است. در ادامه این ویژگی‌ها و کارکردها با نیاز مخاطبان کودک و نوجوان انطباق داده شده است. پژوهش پیش رو به منظور پاسخ دادن به این پرسش انجام گرفته است که رسانه‌های صوتی تصویری در اقتباس از افسانه‌های ایرانی برای کودکان بر چه چیزی تکیه دارند و به کدام نیاز مخاطب متمرکز اند؟ این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و جمع‌آوری مستندات علمی از راه مطالعه کتابخانه‌ای نوشته شده است. براساس بررسی‌ها رسانه‌های صوتی تصویری در استفاده از افسانه‌های ایرانی به نیازهای مخاطبان کودک و نوجوان به اندازه کافی التفات ندارند و غالباً تمرکز اصلی رسانه‌ها در انتخاب افسانه‌ها و اقتباس از آن مبتنی بر مسائل تربیتی، تقویت جامعه‌پذیری، ایجاد سرگرمی و آموزش مستقیم است.

**واژگان کلیدی:** اقتباس، افسانه‌های ایرانی، رسانه، مخاطب‌شناسی.



## سینما به روایت شعر (بررسی اقتباسات سینمایی در اشعار حامد ابراهیم پور)

● محمدرضا حاجی آقابابایی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی

شعر معاصر فارسی در مسیر صدساله‌ای که پیموده است، علاوه بر بهره‌گیری از سنت و فرهنگ پیشینیان، در پی آن بوده‌است تا از حوزه‌های گوناگون دانش بشری و آفرینش‌های هنری نیز بهره‌مند شود و این امر یکی از مهم‌ترین تمایزات شعر معاصر و شهر کهن فارسی است و از این منظر می‌توان شعر معاصر را مورد مطالعه قرار داد. سینما به عنوان یک هنر نمایشی، از مواردی است که شعر فارسی در چند دهه اخیر به آن توجه ویژه نشان داده است و شاعران معاصر در پاره‌ای از اشعار خود به شیوه‌های مختلف از هنر سینما و عناصر مرتبط با آن در شعر خود استفاده کرده‌اند و روابط بینامتنی میان شعر و سینما پدید آورده‌اند. در میان شاعران معاصر، حامد ابراهیم پور از کسانی است که در شعر خود توجه ویژه‌ای به این هنر داشته است و سعی کرده است از اصطلاحات و عناصر سینمایی در شعر خود به گونه‌ای هنرمندانه بهره بگیرد. با مطالعه بینامتنی اشعار ابراهیم پور درمی‌یابیم که وی به دو شیوه اقتباسات سینمایی را در شعر خویش به کار برده است: نخست از نظر فرم و ساختار که موجب پیدایی نوعی غزل به نام غزل سینمایی شده است و دیگر به کارگیری مضامین و شخصیت‌های فیلم‌های برجسته تاریخ سینما به عنوان یک سازه هنری در شعر و آفرینش مضامین شاعرانه براساس آن.

**واژگان کلیدی:** مطالعات تطبیقی، اقتباس، سینما، شعر، حامد ابراهیم پور.



## تصاویر آشنازدا؛ بررسی مؤلفه اقتباس در آثار تصویری حافظ میرآفتابی

● الهام حسنی

کارشناس ارشد تصویرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

شناخت آگاهانه از گنجینه آثار مرجع و گستره نمونه‌های شاخص و ماندگار در حوزه‌های مختلف، همواره فرصتی را در اختیار آفرینندگان خالق آثار هنری و ادبی قرار داده است تا از ظرفیت‌های نهفته در بطن این آثار فاخر، در جهت خلق آثار خویش بهره‌مند گردند. بر این اساس یکی از روش‌های خالقانه پیش رو در فرایند خلق اثر، تکیه بر ظرفیت‌های نهفته در بطن این آثار است؛ که از این شیوه تحت عنوان اقتباس یاد می‌شود. در شیوه اقتباس، هنرمند با تکیه بر آثار شاخص و بهره‌گیری از تصاویر مرجع، و همچنین رویکرد ویژه به زبان تصویر و با ایجاد مناسبات همنشینی و جانمایی میان نشانه‌ها با هدف آشنایی‌زدایی از ساختار تصاویر آشنا، و ایجاد جذابیت تصویری، آثاری را خلق می‌کند که در عین حال که امدار اثر نخستین برآمده از آن می‌باشد، خود از هویتی مستقل و جدید برخوردار است که بر پایه برخورد آگاهانه با زبان تصویر و رویکرد شخصی هنرمند، متمایز از اثر مرجع شناخته شده می‌باشد. پژوهش حاضر کیفی است و به روش توصیفی تحلیلی انجام گرفته است. هدف از این پژوهش بررسی قابلیت‌های برآمده از شیوه اقتباس در خلق آثار خالقانه مبتنی بر شناخت و آگاهی و رویکرد شخصی هنرمند در عرصه تصویرگری است. در این راستا مطالعه موردی پژوهش بر آثار تصویری حافظ میرآفتابی متمرکز است. پرسش اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان از مؤلفه اقتباس در خلق آثار تصویری خالقانه در حوزه تصویرگری بهره برد؟

برآیند پژوهش حاکی از آن است که بهره‌گیری از مؤلفه اقتباس، در فرایند خلق تصاویر بدیع و خالقانه در عرصه تصویرگری، در راستای ارتقا سواد بصری مخاطب و ماندگاری اثر در ذهن مخاطب راهگشاست.

**واژگان کلیدی:** اقتباس، زبان تصویر، محور همنشینی، محور جانمایی، آشنایی‌زدایی، حافظ میرآفتابی.



## بررسی تمثیل‌های گفتگو محور مثنوی برای اقتباس در ادبیات نمایشی کودک و نوجوان

### ● زهرا حیاتی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

حکایت، گفتمانی روایی است که انتقال پیام‌های اخلاقی و رفتاری را به شیوه غیرمستقیم برآورده می‌کند. تمثیل نیز گونه‌ای ابزار بلاغی است که ذهن را به قیاس و قضاوت میان دو امر مشابه سوق می‌دهد؛ و در نتیجه، حکایت‌های تمثیلی ابزار مناسبی برای پرورش تفکر کودک و نوجوان و تسهیل‌گری در زمینه اهداف تعلیم و تربیت به‌شمار می‌آیند. در ادبیات فارسی، حکایت‌های تمثیلی مثنوی، بستر مناسبی برای قصه‌گویی خلاق فراهم می‌آورند. افزون بر این ویژگی کلی، گفتگو محوری تمثیل‌ها، مؤلفه‌ای است که ما را با قابلیت اقتباس از تمثیل‌های مثنوی در ادبیات نمایشی کودک و نوجوان مواجه می‌کند. نخستین ویژگی نمایشی حکایت‌های تمثیلی در مثنوی، واقع‌گرایی و باورپذیری است؛ زیرا احکام اخلاقی را از طریق گفتگو میان مردم عادی طرح می‌کنند و بیشتر زمینه‌های معرفتی را با متن زندگی پیوند می‌زنند. ویژگی دیگر، سادگی و کوتاهی گفتگوها و نیز رفت و آمد میان طرفین گفتگوست که از منظر سبک، برای بازآفرینی در ادبیات نمایشی کودک و نوجوان مناسب هستند. همچنین، تمثیل‌های گفتگو محور مثنوی، سرشت چندصدایی دارند؛ به نحوی که اندیشه‌های موافق و مخالف در قالب گفتگو بیان می‌شود و فرهنگ گفتگو را به گروه سنی کودک و نوجوان آموزش می‌دهد. مؤلفه‌هایی مانند خلق گفتگو میان حیوانات یا پردازش گفتگوهایی که کودکان در آن نقش دارند، نیز به این مجموعه اضافه می‌شود. در این پژوهش، قابلیت اقتباس از تمثیل‌های گفتگو محور مثنوی برای اقتباس در ادبیات نمایشی کودک و نوجوان با روش توصیفی-تحلیلی بررسی شده است.

**واژگان کلیدی:** ادبیات نمایشی، کودک و نوجوان، اقتباس، مثنوی، تمثیل، گفتگو.





## تأثیر رمان هفت خان رستم، اثر محمدرضا یوسفی بر هویت‌یابی و قهرمان‌پروری در نوجوانان بر مبنای نظریهٔ فردیت یونگ

● لیلا خیامی

دانشجوی کارشناس ارشد ادبیات کودک و نوجوان

● محمد رضا نویدی‌مهر

استادیار دانشگاه امام رضا(ع)

اقتباس از آثار کهن در ادبیات کودک و نوجوان رواج فراوان دارد. شاهنامه فردوسی یکی از آثاری است که بیشترین اقتباس از آن صورت گرفته است. البته همه‌ی اقتباس‌ها از نظر کیفی در حد مطلوبی نیستند، اما در بیشان آثار برجسته و قابل تأملی یافت می‌شود، از جمله رمان کوتاه محمدرضا یوسفی به نام «هفت خان رستم». در این پژوهش ضمن یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌های مراحل سفر قهرمانی این رمان با نظریهٔ فردیت یونگ، تلاش کردیم میزان تأثیرگذاری اثر بر مخاطب را بر همین اساس بررسی کنیم؛ اینکه نوجوان تا چه میزان از قهرمان اثر الگو می‌گیرد، اثر چه میزان در قهرمان‌پروری موفق است و در نهایت این سفر چه میزان می‌تواند در پیمودن سفر خطیر زندگی‌اش به بزرگسالی، به او یاری برساند.

**واژگان کلیدی:** هفت‌خان، یونگ، محمدرضا یوسفی، هویت.



## دراماتورژی متل عامیانه «بز زنگوله پا» به تئاتر اسباب بازی

● مینا ذاکر شهرک

دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی

● نجمه قاسم‌زاده عقیانی

کارشناس ارشد ادبیات نمایشی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

هدف پژوهش، تبدیل متل (گونه‌ای از قصه‌های عامیانه ایرانی) به متل نمایشی و اجرای متل نمایشی در تئاتر اسباب بازی است. روش پژوهش پیمایشی - تحلیلی و کاربردی می‌باشد. این مطالعه، با رویکرد دراماتورژی متل‌های عامیانه در دو بخش انجام شد. در بخش اول ساختار متل مورد ارزیابی قرار گرفت و در بخش دوم که تبدیل ایده به تولید بود، به عناصر دراماتیک در تبدیل متل به متل نمایشی پرداخته شد و همچنین اجرای متل نمایشی در تئاتر اسباب بازی مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد متل برای تبدیل به متل نمایشی، دارای نقاط قوت و ضعف است که باید بر نقاط قوت تکیه کرد و نقاط ضعف را تقویت نمود. نقاط قوت آن: آهنگ و ریتم، سادگی و لحن بیان، تکرار پذیر بودن، زنجیره‌وار بودن، اندیشه و مضمون، داشتن روایت‌های گوناگون در هر منطقه‌ای، تک خطی بودن روایت، داشتن کنش و رویداد، بنا شدن بر پایه گفت‌وگو، برخورداری از تقابل شخصیت. و نقاط ضعف: پایان‌بندی نامناسب، کمبود موانع، کمبود اوج، نبود روابط علت و معلولی می‌باشد. در نتیجه با بررسی دراماتورژی متل‌های عامیانه، معیارهایی تعیین شد که براساس آن، تبدیل متل به متل نمایشی با توجه به ویژگی‌های خاص آن صورت پذیرد. با توجه به ضرورت اجرا و تأکید بر حضور کودک در ساخت و اجرا نمایش، این ایده در قالب تئاتر اسباب بازی جای گرفت.

**واژگان کلیدی:** دراماتورژی، متل‌های عامیانه، تئاتر اسباب بازی.



## اقتباس از مکاتب نگارگری ایرانی در تصویرسازی کتاب کودک با موضوع قصه‌هایی از شاهنامه

● مریم ساکی‌زاده

کارشناس ارشد ارتباط تصویری

برخی از هنرمندان تصویرگر کتاب برای اثرگذاری هرچه بیشتر روایات بصری مصوره‌های خود بر مخاطبین و نیز متناسب‌سازی با موضوع کتاب، به روش اقتباس از آثار و مکاتب فاخر هنری گذشته دست به خلق اثر می‌زنند. نقاشی ایرانی به‌عنوان یکی از زیباترین جلوه‌های فرهنگ ایرانی-اسلامی، منبع اقتباس ارزشمندی برای تصویرگران معاصر کتاب کودک بوده است. هدف از پژوهش حاضر، شناخت رویکرد و شیوه اقتباس تصویرگران کتاب کودک از نگارگری ایرانی و یافتن رابطه بینامتنی میان آثار و مکاتب نقاشی ایرانی با توجه به جایگاه اقتباس در نگرش پست‌مدرن است. بدین منظور، ۱۵ کتاب معاصر کودک با مضمون قصه‌هایی از شاهنامه که در مصورسازی‌های آنها از نگارگری ایرانی اقتباس شده، انتخاب گردید. همچنین این مقاله درصدد پاسخ به این پرسش‌ها است: شیوه اقتباس در این آثار چگونه بوده است؟ هنرمندان این آثار از کدام مکاتب نگارگری ایرانی اقتباس کرده‌اند؟ این تحقیق به روش توصیفی انجام گرفته و اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده است. ارزیابی نمونه‌ها نشان داد که تصویرگران با برگزفتگی و اثرپذیری از نقاشی‌های پیشین و اعمال تغییر در آثار گذشته متناسب با محتوی و موضوع کتاب، با شیوه بیان هنری خود به خلق اثر پرداخته‌اند و در این راستا از سه شیوه کلاژ، طراحی با اقتباس از یک اثر یا آثار یک مکتب خاص، و اقتباس از نقش مایه‌ها و یا ویژگی‌های کلی نقاشی ایرانی استفاده کردند. هنرمندان در اقتباس از مکاتب نگارگری برای کودک معاصر، خود را محدود به هنر دوره خاصی نکردند و در میان آثار اقتباس از نقاشی‌های دوره سلجوقی، مکتب تبریز اول، هرات، شیراز دوره ترکمانان، تبریز دوم، مکتب اصفهان دیده می‌شود تا نقاشی‌ها و چاپ‌های سنگی عصر قاجار.

**واژگان کلیدی:** نگارگری ایرانی، اقتباس، تصویرسازی کتاب کودک، شاهنامه.



## واکاوی الگوهای اقتباسی انیمیشن‌های کوتاه برگزیده ایران و جهان

● رضا سربخش

دانشجوی دکتری مطالعات رسانه- رادیو و تلویزیون، دانشگاه صداوسیما

یکی از بهترین راه‌های انتقال اندیشه‌ها و مفاهیم فرهنگی موجود در ادبیات غنی هر کشوری برای مخاطبین کودک و نوجوان، اقتباس در هنرهای نمایشی است. از بین هنرهای نمایشی، انیمیشن به‌عنوان یکی از خیال‌انگیزترین هنرهای شکل گرفته در قرن بیستم موفق شده محبوبیت زیادی را بین مخاطبین به‌دست آورد. تولیدات انیمیشنی دنیا به سه دسته کوتاه، سینمایی و تلویزیونی تقسیم می‌شوند که از این بین، آثار کوتاه زیادی در حوزه اقتباس برای مخاطبین کودک و نوجوان تولید می‌شوند. نگارنده در پی این هدف است که ظرفیت‌های موجود در انیمیشن کوتاه برای اقتباس چه بوده و چه الگوهای نزد هنرمندان تولیدکننده وجود دارد؟ این پژوهش با ماهیت توصیفی تحلیلی و ابزار مطالعه و گردآوری منابع مختلف (آرای اقتباس سندرز، واگنر و دادلی اندرو) و تماشای انیمیشن‌های برگزیده چهار جشنواره معتبر ژاپن، تهران، فرانسه و آمریکا در طی ده سال اخیر به مهم‌ترین انیمیشن‌های کوتاه اقتباسی می‌پردازد و الگوهای شکل گرفته در بین هنرمندان را مورد واکاوی قرار می‌دهد. یافته‌ها نشان از آن است که انیمیشن‌های کوتاه، ظرفیت‌های منحصر به فردی را برای ارتباط با کودکان و نوجوانان در عصر حاضر در مسیر انتقال ادبیات داشته و بسیار در دنیا موفق عمل کردند. چهار الگوی اصلی اقتباس انیمیشن‌های کوتاه عبارت‌اند از: انیمیشن کتاب، انیمیشن وابسته، انیمیشن نیمه وابسته و انیمیشن الهام گرفته. وفادارترین نوع اقتباس در نوع انیمیشن کتاب مطرح شده و تجربی‌ترین نوع انیمیشن کوتاه چه از لحاظ فرم و چه محتوا در حوزه انیمیشن‌های الهام گرفته خلاصه می‌شوند. بهتر است سیاست‌گذاران و مدیران در دو مسیر اول به سراغ اقتباس از منابع مختلف در حوزه انیمیشن کوتاه رفته تا مخاطبین بیشتری به‌ویژه کودکان و نوجوانان را با ادبیات ایران آشتی دهند.

**واژگان کلیدی:** اقتباس، انیمیشن، انیمیشن کوتاه، دادلی اندرو، جشنواره انیمیشن تهران، کودک، نوجوان.



## بررسی سیر تطور سبک زبانی و بلاغی کلیله و دمنه و اقتباس‌های آن برای کودکان و نوجوانان (مطالعه موردی: نگار دانش و قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب)

● مریم شریف‌نسب

عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اقتباس، تولید اثر ادبی (یا هنری) جدید مبتنی بردست کم یک پیش اثر است که به شیوه بازنویسی، بازآفرینی و ... صورت می‌گیرد. اقتباس از متون کهن ادبی، از دیرباز یکی از رایج‌ترین راه‌ها برای تولید محتوای ادبیات کودک و نوجوان بوده است. کلیله و دمنه به واسطه ساختار روایی، داستان‌های پندآموز و شخصیت‌های جانوری، از این حیث همواره مورد توجه بیشتری بوده و از دوره مشروطه که نخستین بچه‌خوانی‌ها برای استفاده در مکتب‌خانه فراهم آمد، اقتباس‌هایی از آن برای مخاطبان کم‌سال‌تر صورت گرفت. بچه‌خوانی‌ها متونی بودند که در مکتب‌خانه‌ها برای زبان‌آموزی، آموزش ادب درس و ادب نفس و تبیین هنجارهای اخلاقی و مهارت‌های زندگی برای مخاطبان کودک و نوجوان فراهم می‌شد. برخی از این متون، عیناً متن دینی (مانند قرآن) یا ادبیات کهن (مانند گلستان و بوستان سعدی) بود؛ برخی دیگر براساس متون کهن برای مخاطب کم‌سال متناسب‌سازی و بازنویسی می‌شد. برخی نیز به ندرت از اساس برای مخاطبان کودک و نوجوان تألیف می‌شد. در این پژوهش متن کلیله و دمنه (به مثابه پیش‌اثر) با متن نگار دانش و قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب (به مثابه دو اقتباس نوجوانانه از کلیله)، به شیوه قیاس عبارت به عبارت، مورد بررسی زبانی و سبکی قرار گرفته است. این بررسی نشان می‌دهد که در اقتباس از کلیله هر چه به زمان معاصر نزدیک‌تر می‌شویم، پابندی به متن پیش‌اثر هم به لحاظ محتوا و هم به لحاظ زبانی کمتر و صراحت و ایضاح متن بیشتر می‌شود. همچنین در این بازنویسی‌ها توضیح و توصیف نسبت به متن پیش‌اثر افزون‌تر، عبارات عربی و ضرب‌المثل‌های دشوار، اندک‌تر و اعتماد به درک و دریافت مخاطب و سفیدخوانی او کمتر شده است. به لحاظ بلاغت نیز، به جرئت می‌توان گفت صنایع ادبی و بلاغی در طول زمان از اقتباس‌ها رخت برسته و زبان ادبی به زبان خودکار نزدیک و نزدیک‌تر شده است. **واژگان کلیدی:** کلیله و دمنه، نگار دانش، قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب، اقتباس، سبک زبانی و بلاغی.



## عوامل تبیین مفهوم اسطوره‌عکس

● کامران شریفی

مدیر گروه عکاسی دانشگاه سوره

در طول تاریخ، عکس‌هایی ثبت و منتشر شده‌اند که جایگاهی فراتر از یک عکس معمولی را به دست آورده‌اند. این عکس‌ها بخشی از خاطرهٔ جمعی مردمان یک سرزمین مشخص و یا حتی کل جهان را به وجود آورده‌اند. به همین دلیل، هنرمندان و مؤلفان با الهام از چنین عکس‌هایی آثار دیگری از جمله فیلم، مجسمه، شعر، پرفورمنس و ... را خلق نموده و بار دیگر باعث شده‌اند که عکس مورد نظر مورد توجه مخاطبان قرار گیرد. این میزان از استقبال و اقتباس نشان می‌دهد قدرت و دامنهٔ اهمیت عکس مورد نظر تا آن اندازه بوده که دیگران نیز مایل بوده‌اند اثری مشابه آن را داشته باشند.

پرسش ابتدایی این پژوهش آن است آیا میتوان این عکس‌ها را از جایگاه فعلی‌شان به عنوان یک رسانهٔ تبلیغاتی فراتر بُرد و در جایگاه الگو قرار داد؟ نگارنده - با مطالعاتی در زمینهٔ جایگاه اسطوره‌ها - به این باور رسیده است که می‌توان برای چنین عکس‌های مشهور و پُر تکراری، لقب و عنوان «اسطوره‌عکس» را در نظر گرفت؛ چرا که همچون اسطوره‌ها دارای روایت هستند و نیز به عنوان الگو مورد توجه و تقلید دیگران قرار گرفته‌اند. این عکس‌ها می‌توانند آغازگر یا ادامه دهندهٔ یک جریان و جنبش فرهنگی یا سیاسی شوند؛ باعث برتری یک اندیشهٔ درست یا نادرست در میان مخاطبان گردند؛ در مقام تولیدکنندهٔ ایدئولوژی قرار گیرند؛ و نیز با تکثیر در سایر نظام‌های نشانه‌ای، باعث رشد و گسترش معنای خود و البته گسترش آن رسانه گردند. «اسطوره‌عکس» عبارتی است که در این پژوهش تکوین خواهد یافت و تلاش می‌شود که برای مفهوم اسطوره‌عکس، عوامل مؤثر در تولید آن، و همچنین مراحل تکوین آن حد و مرز و تعریف مشخص بیابد. این پژوهش به صورت بنیادی انجام شده است و برای بررسی جزئی‌نگرانهٔ مصداق‌ها بر روی پنج عکسی متمرکز گردیده است که پیش‌متن خلق آثار فراوان دیگری شده‌اند. نتیجه آنکه متن‌های پیرامونی، امکان تکثیر شدگی، میزان اقتباس از یک عکس در سایر رسانه‌ها از عوامل مؤثر در شکل‌دهی به اسطوره‌عکس هستند.

**واژگان کلیدی:** اسطوره‌عکس، عکس نمادین، نقد عکس، فرایند خلق.



## بررسی الگوی سفر قهرمان قصه‌های «ادبیات بچه‌خوانی» برای اقتباس در ادبیات کودک و نوجوان

● نگین صدری زاده

دکترای زبان و ادبیات فارسی

داستان‌پردازی و قصه‌گویی در ایران قدمتی دیرینه دارد. با ورود صنعت چاپ به ایران و رواج آن در دوره قاجار، شماری از داستان‌های عامه برای مخاطب کودک و نوجوان تلخیص، مصور و با عنوان «ادبیات بچه‌خوانی» چاپ شده‌است. از سوی دیگر شباهت ساختار اسطوره و قصه به پیدایی نظریه‌های منجر شده است که بر مبنای آنها میتوان عناصر تکرارشونده میان اساطیر و قصه‌ها را کشف و تحلیل کرد. این پژوهش ضمن معرفی «ادبیات بچه‌خوانی»، سعی می‌کند براساس چارچوب نظری تحلیل روان‌شناختی- کهن‌الگویی کارول. اس. پیرسون و هیو. کی‌مار در نظریه «بیداری قهرمان درون» و در بستر نظریه «سفر قهرمان» جوزف کمپبل، روند رشد قهرمان را در قصه‌های «ادبیات بچه‌خوانی» واکاود و الگوی تکوین و تفرد قهرمانان قصه‌های ادبیات بچه‌خوانی را در مراحل سفر ارائه دهد. به این ترتیب با بررسی روند سفر قهرمان درون و چگونگی تجلی کهن‌الگوها، الگویی برای اقتباس و بازآفرینی قصه‌های عامیانه ارائه می‌دهد تا قهرمانان قصه‌های عامه با تجسم این کهن‌الگوها در ادبیات کودک و نوجوان بازآفریده شوند. از تحلیل ساختار اسطوره‌های ادبیات بچه‌خوانی چنین برمی‌آید که این قصه‌ها با بهره از سه مرحله «عزیمت»، «تشریف» و «بازگشت»، زمینه را برای ظهور کهن‌الگوها فراهم می‌سازند و هرچند بارزترین کهن‌الگوهای ادبیات بچه‌خوانی «عاشق»، «جستجوگر»، «جنگجو» و «نابودگر» است اما قهرمان در روند سفر بنا بر موقعیت‌های داستانی، با دگرذیسی کهن‌الگوها مواجه می‌شود. همچنین این تحقیق با تأکید بر اهمیت قصه‌های ادبیات بچه‌خوانی، ضرورت بازخوانی و اقتباس از مجموعه ادبیات بچه‌خوانی را در فرایند تولید محتوا، داستان، بازی‌های رایانه‌ای، برنامه فلسفه برای کودکان، آثار سینمایی- نمایشی یادآور می‌شود.

**واژگان کلیدی:** ادبیات بچه‌خوانی، ساختار اسطوره‌ای، اقتباس، سفر قهرمان درون، اسطوره یگانه، کهن‌الگوها.



## بررسی روانکاوانه نشانه‌های روان-جنسانی در نقاشی‌های اقتباسی دالی از کم‌دی الهی دانته

● مریم طریقت‌بین

کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی

● دکتر سید شهاب‌الدین ساداتی

استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن

در پژوهش پیش‌رو هدف از بررسی روانکاوانه نشانه‌های روان-جنسانی در نقاشی‌های اقتباسی سالوادور دالی از متن *کم‌دی الهی دانته*، یافتن تفاوت‌ها، شباهت‌ها، بازتاب نظریه‌های روانکاوانه زیگموند فروید و تحلیل نمادها و نشانه‌ها در نقاشی‌های دالی است. *دوزخ در کم‌دی الهی دانته* شامل سی و چهار سرود است که پژوهش حاضر از میان آن‌ها متونی را برگزیده که نشان‌دهنده تفاوت‌ها، شباهت‌ها و نظریه‌های روانکاوانه فروید و نمادها در نقاشی‌های دالی است. پژوهش حاضر از نوع تحلیلی و تطبیقی است که در بررسی نمونه‌های اقتباسی از روش‌شناسی نقد روانکاوانه بهره گرفته است. در این پژوهش، محقق از نظریه‌های فروید به‌عنوان روش تحقیق استفاده کرده است زیرا فروید هنر شامل ادبیات و نقاشی را شبیه خواب و رؤیا می‌دانست. نمونه‌های مورد استفاده در این تحقیق شامل جملات منتخب از بخش *دوزخ در کم‌دی الهی دانته* و نقاشی‌های اقتباسی سالوادور دالی از این جملات در متن *دوزخ دانته* است. پژوهش حاضر بخش *دوزخ در کم‌دی الهی دانته* را برگزیده زیرا این کم‌دی به شکل رؤیا و در خواب به دانته الهام شده و به عبارتی دیگر محصول ذهن ناخودآگاه است. از سویی دیگر، نقاشی‌های اقتباسی سالوادور دالی مورد بررسی قرار گرفته‌اند زیرا او نقاش سبک سوررئالیسم بوده که رؤیاها و ذهن ناخودآگاه را در آثارش بازنمایی کرده است. در بررسی تطبیقی نقاشی‌های اقتباسی دالی از متن *دوزخ دانته*، نتایج این تحقیق نشان داد که دالی بیشتر به ضمیر ناخودآگاه انسان و نمادهای روان-جنسانی پرداخته است. **واژگان کلیدی:** اقتباس، *دوزخ دانته*، سالوادور دالی، زیگموند فروید، عقده ادیپ.





## بررسی سازوکار اقتباس و تولید معنا در دو روایت ادبی و سینمایی (خمره از روایت مرادی کرمانی تا فیلم فروشش)

● علی عباسی

استاد تمام زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه شهید بهشتی

فیلم «خمره» به کارگردانی ابراهیم فروزش روایتی است، با حفظ روح اثر و به شکلی وفادارانه، برگرفته از روایت «خمره» اثر هوشنگ مرادی کرمانی. روایت «خمره» روایت بچه‌های مدرسه‌ای است در یکی از روستاهای کرمان که ناگهان تنها خمره آب آن‌ها «ترک برمی‌دارد» و دیگر توانایی نگهداری آب در آن میسر نیست. آقای صمدی و بچه‌ها در تلاشند تا خمره‌های دیگر جایگزین آن بکنند و در این مسیر با مشکلی غیرمترقبه روبه‌رو می‌شوند. براین اساس، کنش اصلی روایت یافتن خمره‌های دیگر است. و تمام داستان حول این محور در گردش است. هدف از این مقاله، بررسی و مقایسه‌ای است میان این دو روایت اصلی و اقتباس شده از بُعد ساختاری و روایی (زبان، پیرنگ، زاویه دید، شخصیت‌های داستان و...)؛ و در ادامه بررسی این موضوع است که چرا گفته‌پرداز فیلم «خمره» همان روایت داستانی «خمره» از مرادی کرمانی را به کمک نظام نشانه‌ای دیگر (یعنی دیداری) باز تولید کرده است. می‌خواهیم بدانیم که روش «گزینش» و برگزفتگی چگونه است؟ و چرا؟ و چه ضرورتی در باز تولید این اثر بوده است؟

**واژگان کلیدی:** اقتباس، نشانه‌های دیداری، نشانه‌های کلامی، روایت میمزیک، روایت دیژتیک، زاویه دید، پیرنگ.



## بررسی و تحلیل اقتباس بهرام بیضایی از «اژدی دهاک» در «برخوانی» اژدهاک

● محمود فتح‌اللهی

دانشجوی دکتری مطالعات تئاتر دانشگاه تهران

آثار بیضایی در عرصه هنرهای نمایشی، از لحاظ ساختار، مضامین و ایماژها، متأثر و برگرفته از کهن‌الگوها و اسطوره‌ها و مشحون از جنبه‌های استعاری و نمادین هستند. او با استفاده و اقتباس از اسطوره‌ها، تاریخ و فرهنگ را مورد بازشناسی، نقد و فهم قرار می‌دهد. در واقع کارکرد اصلی اسطوره برای او ایجاد بستر تفکر منطقی و آگاهی بخشی در بازشناسی هویت ملی و تاریخی است. در این میان کهن‌الگوها و نمادها اهمیت و کارکرد ویژه‌ای دارند. بیضایی با استفاده از نمادها و ایماژها و تطبیق کهن‌الگوها و اسطوره‌ها با مسائل بنیادین فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه، فضاهای معنایی کریستالیزه، نمادین و استعاری می‌سازد. در این مقاله پس از بررسی و تحلیل برخوانی «اژدهاک» بیضایی از منظر ابعاد مذکور با رویکردی نشانه‌شناختی و مقایسه با سایر نمونه‌ها، نتیجه گرفته می‌شود که مضمون اصلی و تاریخی که نویسنده سعی کرده با اقتباس از کهن‌الگوها، اسطوره‌ها و تصاویر و نمادهای متنوع، آن را از آن خود ساخته و تألیف نماید؛ نه اسطوره اژدهاک که اسطوره جهل و ناآگاهی است. اهریمن قدرتمندی که عامل اصلی تاریکی، سترونی، غم، اندوه، سکون و ظلم‌پذیری یک ملت است. به عبارت دیگر، نویسنده برای تبیین شرایط تاریخی و اجتماعی جامعه خود، از اسطوره اژدهاک و کهن‌الگوها و نمادهای مرتبط با آن، در فرمی اصیل و نمایشی (نقل کردن روایت / نقلی) بهره می‌برد تا نشان دهد که اژدهای اصلی کیست و در کجا خانه دارد! و بر اهمیت و لزوم عمل قهرمانانه آگاه شدن و آگاه نمودن تأکید نماید.

**واژگان کلیدی:** اسطوره، کهن‌الگو، نماد، ضحاک، اقتباس، ناخودآگاه، اژدهاک، آگاهی، بیضایی، قهرمان و برخوانی.



## اقتباس نمایشی کمیک از لطایف ملا نصرالدین با نگاهی به نظریه اقتباس لیندا هاچن و نش عنصر کمیک ملوین هلیتزر

● هادی کیانی

دانشجوی دکتری حکمت هنرهای دینی

بررسی تاریخ ادبیات جهان روشنگر آن است که اقتباس به عنوان شیوه‌ایی برای نگارش و خلق یک اثر ادبی، از دیرباز در ادبیات متداول بوده است. از کهن‌ترین الگوهای اقتباس در جهان می‌توان از دو حماسه بزرگ (ایلیاد و اودیسه) منسوب به هومر، حماسه سرای بزرگ یونانی نام برد. با تعمق در تاریخ ادبیات اروپا مشخص می‌گردد که تا پیش از دوران رنالیسم مهم‌ترین شیوه برای خلق آثار ادبی، اقتباس از وقایع تاریخی، اساطیر و افسانه‌ها و آثار گذشتگان بوده و تنها بعد از دوران رنالیسم است که عمدتاً شاهد خلق آثاری اصیل هستیم. اقتباس، خون حیات بخش دنیای سینما و تلویزیون و تئاتر است. نمایش‌ها و فیلم‌های بزرگی براساس اقتباس ساخته شده‌اند. درسینما امّا، اقتباس به معنی شیوه‌ایی است که از طریق آن یک فیلم بر مبنای آثار مکتوب از جمله و نمایشنامه یا آثار تصویری و شنیداری مانند مجموعه‌های تلویزیونی یا رمان، کمیک استریپ برنامه‌های رادیویی ساخته می‌شود. نظریه اقتباس در دیدگاه (لیندا هاچن) به مفهوم دراماتورژی در میان اهل تئاتر نزدیک‌تر است، از طرفی گنجینه لطایف ملا نصرالدین از ظرفیت دراماتورژی بالایی برخوردار است. پرسش اصلی این پژوهش در برگیرنده این موضوع است که آیا می‌توان با تکیه بر نش عنصر کمیدی هلیتزر (که حضور همه آنها برای یک متن تمام عیار کمیدی الزامی است) و ترکیب آن با نظریه اقتباس لیندا هاچن راه‌هایی برای اقتباس این لطایف پیدا کرد؟ هدف این پژوهش به صورت روشن، معرفی مسیری نو و الگویی جدید برای نوعی اقتباس آزاد جهت دستیابی به متن نمایشی کمیک با توجه به یکی از مهم‌ترین معضلات اصلی هنرهای نمایش کشور که کمبود متن نمایشی به طور عام و به ویژه در عرصه کمیدی است، می‌باشد. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای برای رسیدن به پاسخ مناسب به پرسش و همچنین رسیدن به هدف خود گام برداشته است.

واژگان کلیدی: اقتباس، ملا نصرالدین، لیندا هاچن، کمیک ملوین هلیتزر.



## بررسی تصویر شناسانه فیلم و رمان (مردی به نام اوه) با رویکرد ابژکسیون از کریستوا

● فاطمه زهرا محسنی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه شهید بهشتی

مطالعه تصویر شناسانه آثار هنری می‌تواند فرصت بررسی تصویر دیگری بینافرهنگی را برایشان مهیا کند. از این رو، در این مقاله تلاش شده است تا نقش دیگری ایرانی در فیلم و رمان «مردی به نام اوه» نوشته فردریک بکمن را در راستای والا انگاری شخصیت اوه مورد بررسی قرار دهیم. به این منظور، از مطالعات تصویرشناسی و استریوتیپ‌ها برای بررسی تصویر بینافرهنگی و از روش پساساختارگرایی ابژکسیون ژولیا کریستوا برای بررسی آلوده انگاری شخصیت اوه و سولیمسیون (والا انگاری) این شخصیت استفاده شده است. از جمله یافته‌های کلیدی در این تحقیق می‌توان به وجود پدیده ابژکسیون و اتو ابژکسیون (آلوده انگاری و خود آلوده انگاری) شخصیت اصلی داستان و همچنین سولیمسیون و اتو سولیمسیون (والا انگاری و خود والا انگاری) قهرمان داستان اشاره کرد. یافته‌ها حاکی از آن است که شخصیت اوه پس از مواجهه با اجتماع بر اثر اتفاقات و ناکامی‌هایی مانند از دست دادن همسر در اثر سرطان، از دست دادن شغل، از دست دادن پدر و مادر و همچنین از دست دادن فرزند متولد نشده در اثر تصادف و ... هر بار دست به انتخاب مکانیسم‌های دفاعی گوناگونی می‌زند از جمله انزوا، انکار، پرخاشگری، چسبندگی به خاطرات و اما پس از مواجهه ناگهانی وی با یک خانواده مهاجر ایرانی و قرار گرفتن در معرض فرهنگ ایرانی و ارتباط با آنان در موقعیت‌های مختلف؛ این خانواده مهاجر موجب شروع فرایند متعالی گشتن و والا انگاری برای اوه می‌شوند که خود یکی از مکانیسم‌های دفاعی از دیدگاه فروید می‌باشد.

در نهایت اوه که از سوی جامعه ترد شده است، در لحظاتی از زندگی خویش، انتخاب می‌کند که خود را ترد کند و خود آلوده انگاری یا اتو ابژکسیون انجام دهد که این امر توسط تلاش‌های مکرر او برای خودکشی مشهود است.

در این رمان متوجه می‌شویم نه تنها نقش مؤثر دیگری ایرانی، در والا انگاری و تغییر اوه بسیار ظریف و هنرمندانه اتفاق افتاده است بلکه این امر باعث ادامه والا انگاری و پذیرش هر چه بیشتر اوه از شرایط جدید و در نهایت خود والا انگاری وی می‌شود.

**واژگان کلیدی:** تصویر شناسانه، فیلم و رمان (مردی به نام اوه)، رویکرد ابژکسیون، کریستوا.



## ساختارشناسی نمایشنامه‌های اقتباسی کودک و نوجوان

● محمد نجاری

مرکز اسناد فرهنگی آسیا- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اقتباس از آثار ادبی، در حوزه مطالعات بین‌رشته‌ای طبقه‌بندی شده است و ادبیات کهن و عامیانه فارسی، دارای مضامین و تصاویری است که می‌تواند منبع مهمی برای اقتباس نمایشی با مخاطب کودک و نوجوان باشد. درباره ساختار قصه‌ها در ادبیات سرزمین‌های گوناگون، پژوهش‌های شاخصی صورت گرفته است و به همین سبب، شناسایی، طبقه‌بندی و ساختارشناسی ادبیات نمایشی اقتباسی کودک و نوجوان، ضروری است. در این پژوهش، ساختارشناسی اقتباس در ادبیات نمایشی کودک و نوجوان، با روش توصیفی-تحلیلی، بررسی شده است. یافته‌های پژوهش ذیل عناوین زیر دسته‌بندی می‌شود: طرح، پیام (مضمون، درونمایه، هدف)، شخصیت، سبک نگارش، و دیدگاه. هر یک از این موارد در دو متن میزبان و میهمان (منبع اقتباس و متن اقتباسی) واکاوی شده است.

**واژگان کلیدی:** ادبیات نمایشی، کودک و نوجوان، اقتباس، ساختارشناسی.



## اقتباس به مثابه یک صنعت خلاق

● میثم یزدی

استادیار دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

نگاه نهادی و صنعتی به حوزه فرهنگ و هنر در قرن بیستم به عنوان یک نگاه جدید راه را برای آفرینش، خوانش و مصرف نوین ادبیات و هنرها فراهم کرده است. اقتباس و رشد فزاینده آن در رسانه‌های مرسوم از ادبیات و تئاتر گرفته تا رسانه‌های جدید تصویرمحور همچون سینما و شبکه‌های اجتماعی و مجازی، در دوره معاصر ضرورت یک نگاه ویژه به این شیوه از آفرینش هنری را به عنوان یک زنجیره خلاق و نهادی به خوانش آکادمیک و تحلیلی فرا می‌خواند. جستار حاضر بر آن است تا بر پایه بحث اقتباس در دنیای معاصر براساس رهیافت نظری جهان‌های هنری هوارد بکر و نظریه نهادی جورج دیکی نگاهی به مصادیق برسازنده اقتباس به مثابه صنایع خلاق نگاهی نو داشته باشد.

پژوهش حاضر با بررسی چهار حوزه مؤلف، تهیه‌کننده، رویدادها و مخاطبین به بررسی اقتباس در جهان‌های هنر می‌پردازد. نخست با نگاه نهادی به مؤلف در زنجیره اقتباس، و سپس بررسی نقش بنگاه‌های حامی اقتباس‌های ادبی و فرهنگی همچون مؤسسات، آژانس‌ها و سازمان‌های ادبی، نمایشی، سینمایی و موسیقی به عنوان دروازه‌بانان جهان‌های هنری، این مقاله راه را برای فهم اقتباس به مثابت صنعت هموار می‌سازد. در گام بعدی نگاهی به رویدادها و جوایز فرهنگی و هنری در توسعه و جهت‌دهی به اقتباس‌های معاصر در این جستار بررسی می‌شود. در انتها نقش مخاطب و تبدیل وی به مشارکت‌کننده در اقتباس‌های معاصر در فضاهای تعاملی مبتنی بر وب نیز قابل توجه پژوهش حاضر است. نتایج بررسی‌های فوق‌الذکر نشانگر آن است که تحلیل و تفسیر جهان‌های هنری اقتباس محور در آفرینش بسیاری از آثار معاصر این حوزه حول محور اقتصاد خلاق و صنعت فرهنگی آفریده می‌شوند که این نگاه خود تهدیدها و فرصت‌هایی همچون کانونی کردن برخی از مؤلفین و خالقین و آفرینش و مصرف هوشمندانه آثار اقتباسی را به همراه دارد. همچنین این پژوهش روشن می‌سازد که فضای مصرف فرهنگی معاصر، خصوصاً با هوشمند، شبکه‌مند و تعاملی شدن آن، گزینش متون و آثار مدنظر تهیه‌کنندگان آثار اقتباس محور را سمت و سوی ویژه‌ای می‌دهد که مخاطبان آثار در چرخه گزینش، آفرینش، توزیع و مصرف آن نقشی فعال و مؤثر دارند.

**واژگان کلیدی:** اقتباس، نظریه نهادی، جهان‌های هنری، صنایع خلاق، اقتصاد فرهنگی.



## برنامه همایش «اقتباس و هنر»

سه شنبه ۱۴۰۱/۱۲/۲، فرهنگستان هنر، طبقه سوم سالن گلستان هنر

زمان	افتتاحیه	
۱۰:۰۰-۱۰:۰۵	سرود جمهوری اسلامی ایران و تلاوت قرآن	
۱۰:۰۵-۱۰:۱۰	سخنرانی رئیس فرهنگستان هنر / بهمن نامور مطلق	
<b>نشست اول: اقتباس در هنر و ادبیات کودک و نوجوان</b> مدیر نشست: مهدی علی اکبرزاده		
زمان	عنوان سخنرانی / سخنران	ردیف
۱۰:۱۰-۱۰:۳۰	اقتباس از افسانه‌های ایرانی و ارتباط آن با نیاز کودکان (با تکیه بر رسانه‌های صوتی تصویری)/ مریم جلالی	۱
۱۰:۳۰-۱۰:۵۰	بررسی تمثیل‌های گفتگو محور مثنوی برای اقتباس در ادبیات نمایشی کودک و نوجوان/ زهرا حیاتی	۲
۱۰:۵۰-۱۱:۱۰	ساختارشناسی نمایشنامه‌های اقتباسی کودک و نوجوان/ محمد نجاری	۳
۱۱:۱۰-۱۱:۳۰	بررسی سیر تطور سبک زبانی و بلاغی کلیله و دمنه و اقتباس‌های آن برای کودکان و نوجوانان (مطالعه موردی: نگار دانش و قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب)/ مریم شریف نسب	۴
۱۱:۳۰-۱۱:۵۰	پرسش و پاسخ	۵
	پذیرایی	۶
<b>نشست دوم: نظریه‌ها و سازوکار اقتباس در هنر</b> مدیر نشست: مریم جلالی		
۱۳:۳۰-۱۳:۵۰	سینما به روایت شعر (بررسی اقتباسات سینمایی در اشعار حامد ابراهیم‌پور)/ محمدرضا حاجی آقابابایی	۷
۱۳:۵۰-۱۴:۱۰	بررسی روانکاوانه نشانه‌های روان-جنسیتی در نقاشی‌های اقتباسی دالی از کمدی الهی دانته/ مریم طریقت بین، سیدشهاب‌الدین ساداتی	۸
۱۴:۱۰-۱۴:۳۰	بررسی سازوکار اقتباس و تولید معنا در دو روایت ادبی و سینمایی (خمره از روایت مرادی کرمانی تا فیلم فروزش)/ علی عباسی	۹
۱۴:۳۰-۱۴:۵۰	عوامل تبیین مفهوم اسطوره‌عکس/ کامران شریفی	۱۰
۱۴:۵۰-۱۵:۰۰	پرسش و پاسخ	۱۱
	پذیرایی	۱۲





Design by: SoyeEhsan Esmati

# همایش اقتباس و هنر

سه شنبه، ۲ اسفند ۱۴۰۱، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران  
نشست اول: اقتباس در هنر و ادبیات کودک و نوجوان (ساعت ۱۰ تا ۱۲)  
نشست دوم: نظریه‌ها و سازوکار اقتباس در هنر (ساعت ۱۴:۳۰ تا ۱۵)



پیوند مجازی نشست:  
<https://b2n.ir/d57792>



نشانی: خیابان ولیعصر، پایین تر از چهارراه ملاحقی، شماره ۱۵۵۲،  
فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، سالن کنگران هنر